

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پاسکال لوتاز
فرستنده: طاهر باختری
۲۰ اپریل ۲۰۲۰

اروپا در لحظه آهب گونه



فروپاشی ژئوپلیتیک اروپا با شتابی هرچه بیشتر ادامه دارد. این قاره فرسوده به صورتی روز افزون از نظر فرهنگی، فکری و اخلاقی در حال پوسیدگی است – آن هم در حالی که از فراز برج‌های عاج‌گونه بروکسل فریاد «ارزش‌های اروپائی» سر می‌دهد.

اروپا در تله جنگ‌افزارهای خود

امروز، وسواس جمعی اروپا در جنگ با روسیه بیش از هر چیز یادآور شور مرگبار «کاپیتان آهب» است – شخصیتی که همه چیز را در راه تعقیب هذیان خونین خود برای شکار «موبی دیک» (نهنگ سفید) از دست داد. اکنون باید روشن شده باشد که «موبی دیک روسیه» هیچ‌گاه طعمه اروپائی‌ها نخواهد شد (آن‌ها در ۲۰۰ سال گذشته سه بار تلاش کردند و شکست خوردند). به عکس، همان سلاح‌هایی که علیه روسیه به کار می‌گیرند، بار دیگر اروپا را به پرتگاه سقوط نزدیک‌تر می‌کند.

این، چکیده‌ای از صحبت‌های اخیر من با دو همکارم: «یان پراود» (دیپلمات پیشین بریتانیا) و «دکتر یان اوبرگ» (پژوهشگر صلح) در کانال یوتیوب «مطالعات بی‌طرفی» است.*

پیمان خودکشی نظامی‌گری

محور اصلی بحث ما پیشروی خشن اروپا به سوی نظامی‌سازی بود. دکتر اوبرگ بر پوچی گره زدن هزینه‌های نظامی به تولید ناخالص داخلی (GDP) تأکید کرد و اشاره داشت که حتی افول اقتصادی نیز بهانه‌ای برای توجیه جنگ بدل شده است. صندوق ۸۰۰ میلیارد یوروئی دفاعی اتحادیه اروپا – که قرار است از طریق استقراض جمعی تأمین شود – یک بمب ساعتی مالی است؛ بمبی که نسل‌های آینده را زیر بار بدهی می‌گذارد، در حالی که جنگی را تغذیه می‌کند که اروپا از پیش آن را باخته است. یان اوبرگ این وضعیت را «تأثر پوچ» می‌نامد و یادآور می‌شود که حتی در کشورهایی مانند سویدن و دنمارک که روزگاری نماد صلح بودند، نظامی‌گری به یک باور مشترک میان تمام احزاب بدل شده است.

یان پراود نیز می‌افزاید که رهبران اروپا از نوعی «فلج فکری» لاعلاج رنج می‌برند. در حالی که دونالد ترامپ به طرح‌های صلح علاقه نشان می‌دهد، نخبگان اروپایی همچنان بر موضع ثابت خود در قبال اوکراین – بدون هیچ تغییری از سال ۲۰۱۴ – پافشاری می‌کنند. آنها به‌شکل جمعی از پذیرش شکست، حتی وقتی اوکراین در حال از دست دادن سرزمین خود و اشتیاق رو به افول عمومی است، سر باز می‌زنند. این نه یک ستراتیژی، که امتناع از مواجهه با واقعیت و بسیار خطرناک است.

امپراتوری برهنه

اما بیانیید دقیق‌تر به نقایص ساختاری اتحادیه اروپا بپردازیم. یان اوبرگ تأکید کرد که اتحادیه اروپا هرگز به‌عنوان «پروژه صلح» طراحی نشده بود. تنها مورد وحدت دیپلماتیک اتحادیه – به رسمیت شناختن پیش‌از‌معد اسلونی و کرواسی در سال ۱۹۹۲ – موجب شعله‌ور شدن جنگ بوسنی شد. اتحادیه اروپا همواره خود را بیشتر تخریب‌گر می‌دیده تا سازنده ارتباطات.

سلطه‌روایی غرب، که تاکنون توانسته بود جنایات در کنگو، یوگسلاوی، عراق و غزه را لاپوشانی کند، اکنون در حال فروپاشی است. یان اوبرگ و پراود توافق داشتند که آنچه زمانی دیپلماسی نامیده می‌شد اکنون به نظامی‌گری محض در پوششی دیگر بدل شده است. وزارتخانه‌های خارجه دیگر مدافع صلح نیستند – آن‌ها صرفاً سیاست‌های دفاعی را تکرار می‌کنند. حتی واژه «صلح» خود به تابوئی در عرصه سیاست، رسانه، و آکادمی بدل شده است.

علاوه بر این، تمرکزگرایی بوروکراتیک اتحادیه اروپا به شکلی از «استعمار داخلی» بدل شده است. کشورهایی مانند هنگری، اسلواکی، و حتی بریتانیا (پیش از برگزیت) شروع به مقاومت در برابر آنچه آن‌ها «امپراتوری فراملی غیردموکراتیک» می‌نامد، کرده‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که فرسایش حاکمیت ملی، هم نارضایتی عمومی و هم بی‌انجامی ستراتیژیک را تغذیه می‌کند.

علی‌رغم این چشم‌انداز تاریک، ظهور جهان چندقطبی ممکن است دلیلی برای امیدواری باشد. به‌ویژه چین که به‌عنوان وزنه تعادلی عقلانی در برابر افول غرب ظاهر شده است. دیدگاه بلندمدت چین و پایبندی آن به حقوق بین‌المللی، تضادی آشکار با رهبری «کاکيستوکراتیک» (حکومت بدترین و نالایق‌ترین افراد) غرب دارد. حتی رفتار جنگ‌طلبانه دولت ترامپ ممکن است به طنز سرنوشت، موجب تسریع جدائی اروپا از ایالات متحده شود و بالاخره آن بازنگری ستراتیژیک دیرینه را تحمیل نماید.

مرگ فکری

با این حال، چشم‌انداز یک گذار مسالمت‌آمیز تیره و تار است. بیائید با واقعیت روبه‌رو شویم: اروپا از نظر فکری مرده است. این قاره واقع بین، خلاقیت، و — از همه خطرناکتر — چشم‌انداز مثبت و صلح‌آمیز خود را از دست داده است. بدون یک تحول ریشه‌ای فرهنگی و استراتژیک، نه‌تنها غلبه بر بی‌اهمیتی ژئوپلیتیک کنونی اروپا غیرممکن خواهد بود، بلکه به‌احتمال زیاد این قاره از نظر ذهنی و نهادی در دام این شور مرگبار نظامی‌سازی مجدد گرفتار خواهد شد. سقوط اروپا اجتناب‌ناپذیر نیست، اما اکنون شتاب گرفته است. تنها با کنار گذاشتن توهّمات سلطه و بازکشف دیپلماسی، کثرت‌گرایی، و چشم‌اندازهای صلح‌آمیز است که می‌تواند امید‌گریز از فاجعه اهب گونه پیش‌رو را افزایش دهد.

* Neutrality Studie: <https://youtu.be/3eAsfD2J53E>

منبع: Pascal's Substack ، سیزده اپریل ۲۰۲۵

<https://pascallottaz.substack.com/p/europes-ahab-moment>